

# هُوَ اللهُ - ای موقن بآیات الله، از

## غرائب آثار و عجائب...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



### هُوَ اللهُ

ای موقن بآیات الله، از غرائب آثار و عجائب اسرار پروردگار در هر کور و دوری سرّ فدا بود یعنی جمعی از کأس ماء طهور مزاجها کافور سرمست و مدهوش شده رقص کمان بقرانگاه فدا میشتافتند و با آتش انجذاب میگذاختند و هلهله گویان و پا کویان خندان و شادمان نعره طوبی لی بشری لی بعنان ملأ اعلی می رساندند. ولی تا بحال چنین وجد و سرور و جذب و حبور که در میدان جانفشانی از حضرت روح الله بظهور رسید از نفسی مسموم نشد. چه که آن طفل صغیر هنوز بوی شیر از فم مطهرش میآمد با کمال صباحت و ملاحظت چون بدر منیر از افق اغلال و زنجیر رویش تابان و لبش خندان و لسانش ناطق بذکر رحمن و بصرش متوجه بملکوت یزدان بود در تحت سلاسل و اغلال چنان نعره یا بهاء الأبهی برآورد و زبان بتبلیغ گشود که شور و وله در ملکوت وجود انداخت و عوانان را مات و متحیر ساخت و خندان و رقصان و پاکویان در میدان فدا جانفشانی نمود. یا لیت کنت معه فافوز فوزاً عظیماً باری اینست قدرت و قوت انجذاب در دور جمال مبارک روحی لشهداء سبيله الفداء. تا بحال چنین واقع نگشته که کودکی خوردسال گوی سبقت و پیشی را از مردان میدان ببرد و از افق فدا با کمال انقطاع با رخی تابان طلوع نماید اینست شأن نفوس مقدسه در این کور عظیم و اشراق مبین ملاحظه فرمائید طفل صغیری چون بر میثاق الهی. ثابت و مستقیم بود بچه سلطان مبینی مبعوث شد که هر منکری مبهوت گشت اینست شأن متمسکین بعهد و پیمان الهی. بعضی از گاشتگان که در طریق نگهبان



ORIGINAL



AUDIO

بودند روایت نمودند که آن نوگل بوستان الهی در بین راه در تحت سلاسل و اغلال خندان و غزنلخوان  
بود و البهآء علیک ع

